

ملاحظات در باره بودجه

پیشنهادی سال ۱۳۸۱

بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۳۸۱ به طور مفصل در مطبوعات کشور مورد بحث قرار گرفته است و منتقدین مخالف و موافق نظرات خود را در این باره ارائه کرده اند. معهذاً بنظر می‌رسد که نظرات ارائه شده یا به طور کامل به نقاط ضعف این بودجه توجه می‌کنند و یا بیش از حد بر نقاط قوت آن تأکید می‌ورزند. از این جهت شاید بی‌مناسبت نباشد اگر در اینجا از منظری بی‌طرفانه تر به برخی نقاط قوت و ضعف بودجه پیشنهادی که به تعبیری اولین بودجه متحول شده در تاریخ اخیر بودجه‌نویسی ایران است، اشاره شود.

نقاط قوت اصلی:

بودجه ۱۳۸۱ اولین بودجه جمهوری اسلامی ایران است که بر مبنای دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول (IMF) تدوین شده که ساختاری شناخته شده در عرصه بین‌الملل دارد. اگر چه این گرایش موجب این شده است که در برخی اقلام، منتقدین نتوانند ارقام را با ارقام سال‌های گذشته مقایسه کنند. مزیت استفاده از این روش این است که بودجه ایران را با بودجه‌های جهانی قابل مقایسه می‌سازد. بدون شک استفاده از ساختار صندوق بین‌المللی پول، تبعات ساختاری و هزینه‌های متفاوتی را داراست که مورد انتقاد

رسیدن موعد انتشار این یا آن نشریه نیز فرصتی نبود، در گفتگو با رادیوهای خارجی - از جمله بی‌بی‌سی - از منظری به این رخدادها نگریست که هنوز در ایران باب نشده بود، یعنی از منظر منافع ملی ایران.

اگر چه در آن اوقات، که خود نوعی عصر بی‌خبری بود و بی‌خیالی و کاملاً متفاوت از های و هوی فعلی، این سعی و تلاش از لحاظ داخلی با همراهی شایسته‌ای توأم نشد، ولی از دید افغانستانی‌ها پنهان نماند؛ آنها برخلاف پاره‌ای از هموطنان پهلوان، همیشه و در هر شرایطی، صداقت و راستی نهفته در این سعی و تلاش را ارج نهاده و او را محترم داشته‌اند.

اینک که با کشف مجدد افغانستان، به مرحله دیگری گام نهاده‌ایم که در آن از پیر و جوان، وضیع و شریف، جز یاد دوستی و مودت دیرینه و آرزوی صلح و ثبات آینده، سخن دیگری در دهان ندارند، آیا نباید پرسید چنگیز پهلوان که به راستی و نه در سطح تعارفات معمول از «دوره شب‌های سیاهی که بر افغانستان حاکم بود... صدای بلندی بود که مظلومیت افغانستان را به اشکال مختلف در جهان فریاد می‌کرد...» چه شد؟

کاوه بیات

صاحب‌نظران خواهد بود، ولی برای کشوری که با تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، برای حضور در صحنه اقتصاد جهانی اعلام آمادگی کرده است، تطبیق نظام بودجه‌ای قدمی واجب و مثبت به شمار می‌آید.

یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ از اقدامات مثبت و شجاعانه دولت و بانک مرکزی به شمار می‌آید. شکی نیست که این اقدام ضربه‌هایی را به اقتصاد ایران وارد خواهد کرد و موجب افزایش قیمت برخی از کالاها و خدمات خواهد شد، معهذاً یکسان شدن نرخ ارز دارای مزایای بسیاری است که مهم‌ترین آن، محدود شدن فرصت‌های سوء استفاده از چند نرخ بود و افزایش رقابت پذیری در بازار ایران است. البته مکانیزم پیشنهادی برای بازپرداخت مابه‌التفاوت قیمت ارز بر روی کالاهای اساسی، حرکتی منفی است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

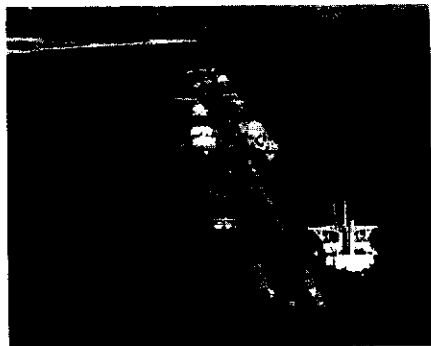
بودجه سال ۱۳۸۱ کسری بودجه دولت را به طور دقیق اعلام کرده است.

بدیهی است که بودجه بدون کسری، بودجه‌ای آرمانی است، ولی پنهان کردن کسری بودجه (که در سال‌های گذشته صورت می‌گرفت) برای اقتصاد یک کشور مضر است. به همین دلیل شفافیت دولت در اعلام کسری بودجه را به فال نیک گرفته و امیدواریم آغاز افزایش شفافیت در تمامی تعاملات اقتصادی دولت باشد.

نقاط ضعف اصلی و پیشنهادات

با توجه به رشد ۴۵/۵ درصدی حجم بودجه، اثرات تورم‌زای آن اجتناب‌ناپذیر است. بدیهی است که متبع اصلی این رشد، یکسان‌سازی نرخ ارز به شمار می‌آید، معهذاً گوشزد این امر که رشد نقدینگی بدون شک تأثیرات منفی شدیدی بر تورم در سال آینده خواهد گذاشت، مهم است. برای حل این معضل دو راه حل اساسی وجود دارد که بایستی به دقت از آنها استفاده کرد: از یک سو دولت و بانک مرکزی بایستی از تمام ابزارهایی که در اختیار دارند برای کنترل رشد نقدینگی استفاده نمایند. متأسفانه این دو نهاد در سال‌های اخیر در کنترل رشد نقدینگی ناموفق بوده‌اند و امید آن نمی‌رود که سیاست‌های سال ۸۱ با موفقیت همراه باشند.

ازسوی دیگر، شاید بتوان قسمی از این رشد را به واسطه تبدیل نکردن بخشی از در آمد ارزی کشور به ریال، محدود ساخت. اگر دولت بجای تبدیل کلیه در آمد نفتی خود به ریال (و با نرخ ۷/۷۰۰ ریال) قسمی از آن را به دلار نگهداشته و سپس برای خرید کالاهای اساسی از حساب دلاری خود استفاده کند، از یکسو جهش رشد



حجم بودجه به ریال را محدود نگاه داشته و از سوی دیگر مشکل بازپرداخت مابه‌التفاوت ریالی به وارد کنندگان را نخواهد داشت. نگهداری بخشی از درآمدهای دولت‌ها به ارز خارجی، ابزاری شناخته شده است که ایران نیز می‌تواند از آن استفاده کند. البته بایستی مکانیزم‌هایی جهت شفاف کردن این حساب‌ها و روش استفاده از آن در نظر گرفت.

به نظر می‌رسد که روش پیشنهادی جهت پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز به وارد کنندگان کالاهای اساسی، بایی را برای رانت‌خواری اقتصادی بگشاید. به عبارت دیگر، همان‌طور که در گذشته گروه‌های رانت‌خوار با استفاده از ارز ارزان‌تر دست به واردات می‌زدند، می‌توان پیش‌بینی کرد که گروه‌هایی از این پرداخت مابه‌التفاوت سوء استفاده کنند.

پیش‌بینی استفاده دولت از ۱۶/۰۰۰ میلیارد ریال منابع صندوق درآمد مازاد نفت برای اهداف اشتغال‌زایی نیز یکی از نکات منفی به شمار می‌آید. این حرکت از یک سو باعث رشد بخش دولتی خواهد شد و از سوی دیگر این امکان را ایجاد می‌کند که از این منابع برای مصارف دیگر استفاده گردد. بهتر بود که برنامه‌ریزان و بودجه‌نویسان همین منابع را با ابزار تشویقی وام و کمک‌های دیگر در اختیار بخش خصوصی قرار داده و برنامه‌های اشتغال‌زای خصوصی طراحی کنند.

پیش‌بینی رشد درآمد مالیاتی دولت در حالی که قانون جدید مالیات‌های مستقیم در مراحل آخر تصویب خود قرار داد، متناقض به نظر

می‌رسد، البته می‌توان استدلال کرد که درآمد مالیات سال آتی دولت هنوز بر اساس قانون پیشین خواهد بود، ولی اصولاً در جوی که هم صحبت از کاهش مالیات‌های مستقیم است و هم دولت در سال‌های اخیر ترانسسته است به اهداف مالیات ستانی خود دست یابد، افزایش چشمگیر درآمد مالیاتی بعید به نظر می‌رسد و علاوه بر این باعث ایجاد انتظارات غلط خواهد شد. راه حل مهم برای افزایش درآمدهای مالیاتی، تعریف مالیات‌های غیرمستقیم به ویژه مالیات مصرف است که بایستی به صورتی شفاف و قابل درک مطرح شود.

دست‌آخر این که، پیشنهاد مطرح شده توسط دولت برای اصلاح روش پرداخت یارانه، به هیچ‌وجه شفاف نبوده و نگران کننده است. صحبت مسئولین درباره سوق دادن یارانه‌ها به سوی اقشار کم درآمد بسیار بجا است ولی نه در خلأیی که در حال حاضر از نظر تعریف روش وجود دارد. به نظر می‌رسد که رسیدگی هرچه سریع‌تر به طرح فقرزدائی که از چند سال پیش در دستور کار قوه مجریه و قوه مقننه قرار داشته است، به روشن‌تر شدن موضوع‌های یارانه‌های مستقیم کمک کند. در هر صورت، دولت و مجلس چاره‌ای ندارند جز این که هر چه سریع‌تر چارچوب حقوقی و روش اجرایی سوق دادن یارانه‌ها به اقشار کم درآمد را تبیین نمایند.

بیژن خواجه‌پور خویی